بسم الله الرحمن الرحیم

علت طولانی شدن غیبت

انگیزه سازی

امام موسی کاظم (علیه السلام) در زمان خودشان، شیعیان را به مرور برای غیبت طولانیِ آخرین امام، آماده می‌نمودند؛ آنچنان که در احادیث آمده:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ‏ مِنْ‏ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهَ اللَّهَ فِي أَدْيَانِكُمْ، لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَه‏.[[1]](#footnote-1)

علی بن جعفر در نقلی از برادر بزرگوارشان موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: هنگامی که پنجمین فرزند از نسل (امام) هفتم مفقود و غایب شد، پس شما را به خدا مراقب دین خود باشید که مبادا کسی شما را از آن خارج سازد. ای فرزندم، به ناچار برای صاحب الأمر غیبتی خواهد بود، تا حدی که بعضی از مؤمنینِ به این امر (ولایت و تشیع)، از اعتقاد خود بازمی‌گردند. همانا این (غیبت) محنتی است که از ناحیه‌ی خدای عز و جل باعث آزمون خلایق خواهد بود.

از سویی دیگر، از زمان امام جواد (علیه السلام) به بعد، به مرور ارتباط مستقیم شیعیان با امامِ معصوم کاهش یافته و ارتباط میان ائمه (علیهم السلام) و محبان و پیروانشان بیشتر از طریق واسطه‌هایی که در شهرها و بلاد مختلف حضور داشتند، برقرار می‌شده است. به این ترتیب، جامعه‌ی شیعه کم‌کم با عدم دسترسیِ مستقیم به امام معصوم، خو گرفته و برای حل مشکلات دینی و فقهیِ خود، دست به دامان علما و نایبان امام در مناطق مختلف می‌شدند. نمونه‌ای از این ماجرا، در دیدار حماد رازی، با امام هادی (علیه السلام) آمده است:

أَبَا حَمَّادٍ الرَّازِيَ‏ يَقُولُ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) بِسُرَّ مَنْ رَأَى فَسَأَلْتُهُ عَنْ أَشْيَاءَ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَأَجَابَنِي فِيهَا فَلَمَّا وَدَّعْتُهُ قَالَ لِي يَا حَمَّادُ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْ‏ءٌ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِنَاحِيَتِكَ فَسَلْ عَنْهُ عَبْدَ الْعَظِيمِ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيَّ وَ أَقْرِأْهُ مِنِّي السَّلَامَ.[[2]](#footnote-2)

حماد رازی می‌گوید: بر علی بن محمد (امام هادی علیه السلام) در شهر سامرا وارد شدم و از بعضی احکام حلال و حرام از ایشان پرسیدم و ایشان نیز پاسخِ آنها را به من داد. هنگامی که با ایشان وداع نمودم، به من فرمود: ای حماد، هر زمان که در موطن خودت (شهر ری) بودی و پرسش یا مشکلی در امر دینت برای تو حاصل شد، آن را از «عبد العظیم بن عبد الله حسنی» بپرس و سلام من را نیز به او برسان.

تمام این آماده‌سازی‌ها و همچنین دوران 69 ساله‌ی غیبت صغری، به عنوان دورانی برای محیّا نمودن مؤمنین جهت غیبتی طولانی بوده است، تا در طولِ دوران غیبت و فتنه‌های زمان، دل‌های مؤمنین از توجه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دور و منحرف نشده و آیین و مذهب حق دچار زوال نگردد.

اقناع اندیشه

در بررسی علل اصلیِ غیبت دوازدهمین امام معصوم (علیه السلام)، و خصوصاً فلسفه‌ی طولانی شدن غیبت آن حضرت، به موارد متعددی برخورد می‌کنیم که هر کدام سهمی در این امر دارند.

شاید یکی از مهمترین و اصلی‌ترین علل غیبت آن حضرت را بتوان از زمان حمله به خانه‌ی امیر المؤمنین (علیه السلام) و فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) ریشه‌یابی نمود؛ زیرا اولین انحراف و اصلی‌ترین بدعت در اسلام، از همان روز شکل گرفته و در همان آزمون بود که بیشتر مسلمین از ایمان حقیقی سقوط کردند، آنچنان که از امام باقر (علیه السلام) منقول است: «ارْتَدَّ النَّاسُ‏ بَعْدَ النَّبِيِ‏ (صلی الله علیه و آله و سلم) إِلَّا ثَلَاثَةَ نَفَرٍ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدُ.»[[3]](#footnote-3) (بعد از رحلت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همه‌ی مردم از دین برگشتند (و دست از ولایت کشیدند)، به استثناء سه نفر. مقداد بن أسود و أبوذر غفاری و سلمان فارسی؛ سپس مردم متوجه شده و پس از آن، به آنها ملحق شدند.)

و از همان‌جا بود که مسلمانان، درمورد تعهدی که در مقابل خدا و رسول بر عهده داشتند، کوتاهی کرده و آن را به جا نیاوردند. چرا که قرآن کریم به مراتب فرموده: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبی»[[4]](#footnote-4) اما عموم مسلمین، نه تنها عهدی که در روز غدیر با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و أمیر المؤمنین (علیه السلام) بسته بودند را فراموش کردند، بلکه رعایت احترام و حق خاندان پیامبر اکرم را نیز به جای نیاورده و با سکوت خود، اجازه دادند تا چنین بدعت و ستم بزرگی اتفاق بیفتد. و متأسفانه همین سستی و اهمال در امر دین از ناحیه‌ی عموم مسلمین و شیعیان باعث می‌گردد تا ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) یکی پس از دیگری مجبور به خانه‌نشینی شده و امکانی برای قیام و اصلاح جامعه نیابند.

شاید با شنیدن کلام امام باقر (علیه السلام) با جابر جُعفی، این مطلب قدری واضح‌تر شود.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: ... قُلْتُ يَا سَيِّدِي أَ لَيْسَ هَذَا الْأَمْرُ لَكُمْ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَلِمَ قَعَدْتُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ دَعْوَاكُمْ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى‏ وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ‏ قَالَ فَمَا بَالُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَعَدَ عَنْ حَقِّهِ حَيْثُ لَمْ يَجِدْ نَاصِراً أَ وَ لَمْ تَسْمَعِ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي قِصَّةِ لُوطٍ قالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلى‏ رُكْنٍ شَدِيدٍ وَ يَقُولُ‏ فِي حِكَايَةٍ عَنْ نُوحٍ‏ فَدَعا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ وَ يَقُولُ فِي قِصَّةِ مُوسَى‏ رَبِّ إِنِّي لا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفاسِقِينَ‏ فَإِذَا كَانَ النَّبِيُّ هَكَذَا فَالْوَصِيُّ أَعْذَرُ يَا جَابِرُ مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ يُؤْتَى وَ لَا يَأْتِي.[[5]](#footnote-5)

جابر بن یزید جعفی می‌گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: آقای من، آیا این امر (حکومت) از برای شما نمی‌باشد؟ فرمود: بله. گفتم: پس برای چه نشسته‌اید و از حق و ادعای خود دست کشیده‌اید، در حالی که خداوند متعال می‌فرماید: «و در راه خداوند جهاد کنید، آنگونه که سزاوار جهاد است. او شما را برگزیده.» امام فرمود: به همان علتی که أمیر المؤمنین از حقش دست کشید، زیرا یاور و کمک‌کاری نیافت و آیا کلام خداوند متعال را نشنیده‌ای که در ماجرای قوم لوط می‌گوید: «کاش در مقابل شما قدرتی داشتم و یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیارم بود.» و همچنین در نقل از حضرت نوح (علیه السلام) می‌فرماید: «نوح به درگاه پروردگار عرضه داشت: خدایا من مغلوب شدم، پس تو مرا یاری فرما.» و در ماجرای حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «موسى گفت: خدايا، من جز بر خود و برادرم مالك و فرمانروا نيستم، پس تو ميان ما و اين قومِ فاسق جدايى انداز.» پس در جایی که انبیاء الهی اینگونه بوده‌اند، عذرِ وصیِ پیامبر پذیرفته‌تر است. ای جابر! امام به مانند کعبه می‌ماند، زیرا باید به نزد او بیایند (و گرد او جمع شوند) و او به سراغ مردم نمی‌رود.

بنابراین، وظیفه‌ی مسلمین و خصوصاً شیعیان در باب ولایت، آن بوده که گرد امام خود حلقه زده و با اطاعت محض و واقعی از آن حضرت، و حفظ ایشان در تمام خطرات و پیروی از دستورات این بزرگواران در تمام برنامه‌های زندگی، امکان تشکیل حکومت عدل را برای آنان فراهم آورند. اما مردم در زمان نهضت امام حسین (علیه السلام) بد آزمونی پس دادند و از آن پس نیز تغییر عمده‌ای در جامعه‌ی اسلامی و میزان التزام عملی مردم به احکام الهی و ولایت معصومین ایجاد نشد؛ تا جایی که ظالمین و ستمگران عالَم، فرصت این را یافتند که امامان معصوم (علیهم السلام) را روز به روز در فشار و سختی بیشتری گذارده و در مدت زمان کوتاه‌تری به شهادت برسانند.

نقل شده است که از آیت الله محمد تقی بهجت (رحمة الله علیه) نیز پرسیده شد: غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) تا کی ادامه دارد و چرا اینقدر طولانی شده است؟

آیت الله بهجت پاسخ دادند: «سبب غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خود ما هستیم! و گر نه اگر ظاهر شود چه کسی او را می‌کُشد؟ آیا جن آن حضرت را می‌کُشد؟ یا قاتل او انسان است؟! ما از پیش امتحان خود را (با امامان معصوم) پس داده‌ایم که چگونه از امام تحفظ و یا اطاعت می‌کنیم، و یا اینکه او را به قتل می‌رسانیم! انحطاط و پستیِ انسان به قدری است که قوم حضرت صالح (علیه السلام)، ناقه‌ی صالح را با اینکه وسیله‌ی ارتزاق و نعمتِ آن‌ها بود، پِی کردند، آنچنان که قرآن کریم درباره‌ی آنها می‌فرماید: «لَها شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ»[[6]](#footnote-6) یعنی یک روز، آب سهم شما باشد و روز دیگر سهم آن شتر و روزی که او آب چاه را می‌خورد، در عوض به آنها شیر می‌داد! بنابراین همان گونه که ممکن است عقلاء، خزینه و انبار نعمت خود را نابود کنند، هم چنان که ناقه‌ی صالح را کشتند چون از کوه بیرون آمده بود، امکان دارد که ما انسان‌های عاقل! امام زمان را نیز که تمام خیرات از اوست و از ناقه‌ی صالح بالاتر و پرفیض‌تر است، برای اغراض شخصیه‌ی خود به قتل برسانیم!»[[7]](#footnote-7)

مؤید این کلام، حدیثی از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید:

يَا زُرَارَةُ لَا بُدَّ لِلْقَائِمِ‏ مِنْ‏ غَيْبَةٍ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ.[[8]](#footnote-8)

ای زراره، به ناچار (امام) قائم از ما دارای غیبتی خواهد بود. گفتم: از برای چه؟ فرمودند: بر جان خود می‌ترسد، و با دستشان به شکم خود اشاره کردند. (به معنای ترس از قتل.)

با نگاه به احادیث، علل و حکمت‌های دیگری نیز می‌توان برای این غیبت طولانی یافت نمود که در اینجا به اختصار، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

1. فرار از بیعت با ستمگران

بر طبق بسیاری از روایات، یکی از علت‌های غیبت بقیة الله الأعظم و مخفی شدن ایشان از نظرها قبل از محقق شدن شرایط قیام، اجتناب از بیعت با هر یک از حاکمان ستمگر در سراسر جهان است، تا هنگامی که ایشان قیام می‌فرماید، بیعت احدی در گردنش نبوده و در نتیجه وامدار کسی نباشد.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ‏ كَأَنِّي بِالشِّيعَةِ عِنْدَ فِقْدَانِهِمُ الثَّالِثَ‏ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ قُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ.[[9]](#footnote-9)

فضّال از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان می‌فرمایند: گویی شیعیان را می‌بینم که به هنگام از دست رفتن سومین فرزند از نسل من، به دنبال امام (بعدی) می‌گردند ولی او را نمی‌یابند. گفتم: چرا او را نمی‌یابند، ای فرزند رسول خدا؟ فرمودند: زیرا امامشان از آنها غایب می‌گردد. گفتم: برای چه؟ فرمودند: برای آنکه وقتی با شمشیر قیام می‌کند، بیعت أحدی بر عهده‌اش نباشد.

1. اجرای سنت پیامبران پیشین

یکی از علل ذکر شده در روایات، آن است که سنت خداوند در برخی از پیامبران بر آن بوده که با غیبت و عدم حضور موقتِ آن پیامبر در میان امّت، مردم را امتحان کرده و ایمان آنها را می‌آزماید. همانگونه که در ماجرای غیبت چهل روزه‌ی حضرت موسی (علیه السلام) از قوم بنی اسرائیل و گمراه شدن آنان به واسطه گوساله سامری، یا غیبت بیست ساله حضرت ادریس (علیه السلام) از قوم خود دیده می‌شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ‏ إِنَّ لِلْقَائِمِ (علیه السلام) مِنَّا غَيْبَةً يَطُولُ أَمَدُهَا فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ يُجْرِيَ فِيهِ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ (علیهم السلام) فِي غَيْبَاتِهِمْ.[[10]](#footnote-10)

حنان بن سدیر به نقل از امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: همانا برای قائم از ما اهل بیت، غیبتی است که دوره‌اش طولانی می‌شود. به ایشان گفتم: چرا اینگونه است، ای فرزند رسول خدا؟ فرمودند: همانا خداوند عز و جل إبا دارد از اینکه سنت پیامبران در موضوع غیبتشان را درمورد او جاری نسازد.

1. خروج مؤمنان از صلب کفّار و منافقان

در حدیثی از ابراهیم کرخی آمده است: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا حضرت علی (علیه السلام) در راه دینِ خداوند متعال، قدرتمند و استوار نبود؟ فرمودند: بله، بود. گفتم: پس چگونه دیگران بر او مسلط شده و از چه روی علی (علیه السلام) با آنها مبارزه ننمود و چه مانعی از این کار داشت؟ فرمود: آیه‌ای از قرآن مانعش شد. گفتم: کدام آیه؟ فرمود: کلام خداوند متعال که می‌فرماید: «اگر مؤمنان و کفار از هم جدا می‌شدند، قطعاً کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم!»[[11]](#footnote-11) همانا از برای خداوند متعال، مؤمنینی وجود دارد که به صورت امانت و ودیعه در صُلب عده‌ای از کافرین و منافقین قرار دارند و علی (علیه السلام) قصد نداشت پیش از خروج این امانت‌ها، پدرانشان را بکشد؛ اما زمانی که این ودیعه‌ها خارج شدند، با گروه‌هایی مقابله نموده و جنگید و قائم از ما اهل بیت نیز همین‌گونه است که هرگز ظهور نخواهد کرد، مگر آنکه امانت‌های الهی ظاهر شوند؛ آنگاه با هر‌ که بخواهد مقابله کرده و آنان را به قتل می‌رساند.[[12]](#footnote-12)

شبیه به این مطلب در زمان حضرت نوح (علیه السلام) نیز واقع شده است و زمانی که آن حضرت با علم الهیِ خویش متوجه شدند که دیگر هیچ مؤمنی در نسل کافران باقی نمانده، آنها را نفرین کردند، آنچنان که در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است. «إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبادَكَ وَ لا يَلِدُوا إِلاَّ فاجِراً كَفَّاراً»[[13]](#footnote-13) (اگر آنها را باقى بگذارى، بندگانت را گمراه مى‏كنند و جز فرزندانی بدکار و کافر از آنان ایجاد نمی‌شود.)

1. رشد و تکمیل عقول مردم

یکی دیگر از وجوه مطرح شده به عنوان علت این غیبت طولانی، داده شدن فرصتی به مردم برای تجربه و تأمل و فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر از جهان و آیین الهی می‌باشد. به این ترتیب مَکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف در طول قرن‌ها بر مردم حکومت کرده و در مقامِ عمل، ناکارآمدی خود را اثبات می‌کنند تا در نهایت مردم با اندیشه و تجربه‌ی خود به این نتیجه برسند که جز با تکیه کردن بر آیین الهی و رهبری فردی معصوم، نمی‌توان عدالت را در جهان برقرار نمود. از این طریق، مردم احساس نیاز شدید و مبرم به رهبری معصوم پیدا کرده و در صورت ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ایشان تبعیت راستین می‌نمایند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَ قَدْ وُلُّوا عَلَى النَّاسِ‏ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وُلِّينَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ الْعَدْلِ‏.[[14]](#footnote-14)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: این امر (یعنی ظهور و تشکیل حکومت به دست قائم آل محمد علیهم السلام) محقق نمی‌شود، تا زمانی که هیچ دسته‌ای از مردم باقی نمانند، مگر آنکه (مدتی) بر مردم حکومت کرده باشند، تا بعد از آن، کسی نگوید که اگر ما به حکومت می‌رسیدیم، به عدل و قسط رفتار می‌کردیم. سپس (امام) قائم به حق و عدل قیام می‌کند.

پرورش احساس

در نامه‌ای مقدس از جانب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به شیخ مفید، دلیل طولانی شدن غیبت و تأخیر در ظهور، به زبان خودِ آن حضرت اینچنین آمده است:

«وَلَوْ أَنَّ أشْیاعَنا وَفَّقَهُمُ اللّهُ لِطاعَتِهِ عَلَی اجْتِماع مِنَ الْقُلُوبِ فِی الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ لَما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنَ بِلِقائِنا، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعادَةُ بِمُشاهَدَتِنا عَلی حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِها مِنْهُمْ بِنا، فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ إِلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نَکْرَهُهُ وَلا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ.»[[15]](#footnote-15)

(اگر شیعیان ما که خداوند توفیقِ طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. پس علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز اخباری که از کردار ناپسندِ ایشان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.)

بر این اساس، حجاب و مانع اصلی از ملاقات آن حضرت و امکان ظهور و قیام جهانی ایشان، گناهان ما و عدم تقوای الهی و پرهیز از محرمات می‌باشد که سبب می‌گردد تا خداوند همچنان این بلاء و محنت را بر مردم مستدام دارد و نعمت عظیمِ ظهور امام قائم را از شیعیان و تمام مستضعفان جهان به تأخیر اندازد.

پس آنها که محبتی عمیق از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دل دارند و خود را شیفته‌ی ایشان می‌دانند و آرزویی جز ملاقات با آن حضرت ندارند، باید علاوه بر ندبه و تضرع به درگاه خداوند متعال و دعا از برای تعجیل در ظهور ایشان، با حفظ هر چه بیشتر تقوا و انجام وظایف دینی، به سهم خودشان مقدمه‌ساز ظهور و قیام جهانی آن حضرت گردند.

به این امید که در هنگام مرگ، رضایت کامل امام زمانمان را به دست آورده باشیم، إن شاء الله.

1. علی بن جعفر بن محمد (برادر امام کاظم علیه السلام)، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص 325 [↑](#footnote-ref-1)
2. حسین بن محمد تقی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 17، ص 321 [↑](#footnote-ref-2)
3. محمد بن محمد (شیخ مفید)، الإختصاص، ص 6 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره شوری، آیه 23 [↑](#footnote-ref-4)
5. علی بن محمد خزاز رازی، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر، ص 247 - 248 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره شعراء، آیه 155 [↑](#footnote-ref-6)
7. سید مهدی شمس الدینی، کتاب بهارانه (امام غائب عجل الله تعالی فرجه در کلام آیت الله العظمی بهجت رحمه الله)، ص 35 [↑](#footnote-ref-7)
8. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 481 [↑](#footnote-ref-8)
9. محمد باقر بن محمد تقی (المجلسی)، بحار الأنوار، ج 52، ص 96 [↑](#footnote-ref-9)
10. محمد باقر بن محمد تقی (المجلسی)، بحار الأنوار، ج 52، ص 90 [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره فتح، آیه 25 [↑](#footnote-ref-11)
12. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 642 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره نوح، آیه 27 [↑](#footnote-ref-13)
14. محمد بن إبراهیم بن جعفر (ابن ابی زینب)، الغیبة للنعمانی، باب 14، ح 53، ص 274 [↑](#footnote-ref-14)
15. محمد بن محمد (شیخ مفید)، مناسک المزار، ص 11؛ احمد بن علی الطبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 499 [↑](#footnote-ref-15)